

بِهانه‌ای برای ماندن

www.ketab.ir
مهشید تهرانی



تابستان ۱۴۰۳

بهانه‌ای
برای ماندن

نویسنده: مهشید تهرانی

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۸۵-۷

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۲۰۶۵۹۷

نوبت نشر: دوازدهم

زمان نشر: تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ جلد

قیمت: ۴۵۰,۰۰۰ تومان

پادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (بهره‌رسانی و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (مأیسته نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



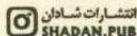
دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۰۲۰ ۸۸۲۴۱۰۸۱ - ۰۴۴ ۸۰۱۸۸۰ - ۴۴ ۸۰۱۸۸۰

www.shadan.ir

Info@shadan.ir



در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: بهانه‌ای برای ماندن پدیدآور: مهشید تهرانی

تهران: شادان، ۱۳۹۲، ۵۲۸ صفحه، (ارمان ۱۱۵۷)

شابک: ISBN: 978-964-2919-85-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۰۰: رده بندی دیویی: ۶۲/۳ فا ۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۲۰۶۵۹۷

دو سر باخت...

در میان دهها صفتِ خوب و بد، که برخی را اکتسابی و برخی را ذاتی می‌دانند، کینه‌ورزی از آن صفت‌های به اصطلاح دو سر باخت است! اگرچه من نمی‌دانم آیا کینه‌ورزی در ذات و از بدو تولد با هرکس است و یا این که در طی زندگی آن را کسب می‌کند و در درونِ خویش پرورش می‌دهد!



گفتم «دو سر باخت» چون فرد کینه‌جو هم به دیگری آسیب و آزار می‌رساند و هم به خودش! درواقع شخص کینه‌جو وقتی از کسی — به هر دلیل درست یا غلط — کینه‌ای به دل می‌گیرد ابتدا آن را در دل خود مثل بذری می‌کارد و خواسته یا ناخواسته شروع به پرورش و رشد آن می‌کند، تخم کینه که کاشته می‌شود همانند سلولی سرطانی در ذهن رشد می‌کند و ناخواسته تمام وجود آدم را فرا می‌گیرد.... مثل حرکت و گسترش سم در بدن!

این چند جمله را به عنوان درس اخلاق بیان نکردم — که بی تردید شما بهتر و بیشتر این مطالب را می‌دانید — بلکه خواستم تأکید کنم بر همان عبارت «دو سر باخت!». می‌گویند نمی‌توان کسی را آزرده و بیشتر از او، آزرده نشد، نمی‌توان کینه ورزید و خود بیشتر از طرف مقابل آزار ندید. این مثل یک قانون نانوشته است که در روح زندگی جاریست ولی گاهی اوقات افرادی با روحی بزرگ را می‌بینم که دلیل کافی برای کینه به دل گرفتن دارند اما برای آرامش روح خود از کینه‌جویی دوری می‌کنند. اینان یاد گرفته‌اند حتی در

شرایطی که هرکس ناراحت می‌شود و آزرده‌گی در دلش انباشته و تبدیل به‌کینه می‌گردد، در خلوتِ خویش می‌نشیند و خود را مستقعد می‌کند به‌گذشتن، خود را می‌سپارند به‌گذرِ زمان و فراموشی، و این کار را آگاهانه می‌کنند. برای من تحسین برانگیز است رفتارِ آنان که با تسلط بر روح و روانِ خویش، به‌آن بذرِ کینه مجالی نمی‌دهند تا در دل جای گیرد و ریشه بدواند. این یعنی گذشتن از خطای دیگران برای سلامتِ روح خویش!

بازهم این موضوع را به‌گونه‌ای دیگر مطرح می‌کنم: مهم نیست که کینه‌ورزی را یک ویژگی ذاتی افراد بدانیم یا نه و تصور کنیم که فلانی از بدو تولد با این خصلت به‌دنیا آمده است یا خیر، مهم این است که فراموش نکنیم تمامی ما آمادگی این را داریم که اگر به‌آزرده‌گی‌های کوچک در دل پناه دهیم و کم‌کم آن را پیروانیم، کینه‌ای می‌شود که زدودنش کارِ هرکس نیست. اگر یک حسِ ناخوشایند از کسی را کمی بال‌وپَر دهیم، بدون شک اسیر آن می‌شویم و ذهن ما را بیمار می‌کند. این دیگر هنرِ ماست که فقط برای آرامشِ خودمان، گاهی از دل آزرده‌گی‌ها بگذریم.

سخن را از این مطلب متصل می‌کنم به‌کتاب حاضر؛ مرور این جملات زمانی به‌ذهن آمد که کتاب «بهانه‌ای برای هان» را خواندم. مثل همیشه می‌خواهم تجربه‌های کتابخوانی‌مان را تقسیم کنیم با هم‌خوانانِ همیشگی‌مان، و دعوت می‌کنم برای غرق شدن در داستانی که حرکتی منطقی برای جذب این همراهانِ خوب دارد. داستان گره‌هایی دارد که با بازشدن هریک می‌توان به‌متنِ قصه و دلایل این گره‌ها پی برد و همراهش شد. در پایانِ کتاب نیز شاید مثل من به‌مرور قصه بپردازید و نتیجه‌ای مشابه و یا متفاوت بگیرید، اما امیدوارم حسِ خوشایند یک رُمان دلی‌پذیر را به‌دست آورید.

روح‌تان خالی از آزرده‌گی!

بهمن رحیمی

خردادماه ۱۳۹۳ - تهران

سپهر